

## نقش خانواده و مدرسه و معنادهی رابطه این دو بر ارتقاء سلامت اجتماعی در زندگی دانش آموزان (مطالعه موردی دبیرستان های دخترانه دولتی آبدانان)

فریبرز اصل مرز<sup>۱\*</sup>

علی اصغر غلامی<sup>۲</sup>

سلمان شادیوند<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر، تأثیرگذاری دو نهاد اساسی خانواده و مدرسه و معنادهی رابطه متقابل آن دو در ارتقاء سلامت اجتماعی شدن زندگی دانش آموزان بود.

**روش:** طرح پژوهشی این مطالعه به شیوه کیفی و به روش تحلیل محتوا است که در دو سطح توصیف و تبیین در دبیرستان‌های دخترانه دولتی رضوان، زینب و پروین شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام به تعداد ۳۳۴ دانش آموز دختر در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ انجام گرفت که ۳۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته و مشاهده استفاده شد.

**یافته‌ها:** بر اساس یافته‌های برخی محققان، بین ارزش‌های اجتماعی خانه و مدرسه و معنادهی رابطه این دو به ارتقاء سلامت اجتماعی در زندگی دانش آموز، تضاد بالایی مشاهده شده است و چنین بر می‌آید که تضاد ارزشی و عدم هم‌نوایی دانش آموز با خانه و مدرسه به نفع دیگری تمام نمی‌شود، بلکه موجب روی گردانی و دل سردی دانش آموزان، هم از خانه و هم از مدرسه می‌گردد. از این رو تعامل خانه و مدرسه می‌تواند از دیدگاه جامعه‌شناختی، به عنوان یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین راه‌های کاهش تضاد بین خانه و مدرسه در جهت ارتقاء سلامت دانش آموز، مورد توجه جدی و نگرش عمیق و کاربردی قرار گیرد.

**نتیجه‌گیری:** نتیجه این تعامل، تأثیرات مثبت و فواید تربیتی و آموزشی بسیاری است که در معنادهی به ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی دانش آموز و آینده او، فوق‌العاده نقش آفرین است.

**کلیدواژه‌ها:** خانواده، مدرسه، معنادهی، سلامت اجتماعی، دانش آموزان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> . دکترای روانشناختی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی تهران، ایران (نویسنده مسئول) fariborzaslmarz@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس گروه آموزش ابتدایی، آموزش و پرورش، آبدانان، ایلام، ایران

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد، گروه مترجمی زبان انگلیسی، آموزش و پرورش دره شهر، ایلام، ایران.

## مقدمه

ارتقاء سلامت عبارت از روند توانمند سازی افراد برای افزایش کنترل و بهبود سلامتی شان می باشد. سلامت اجتماعی، به جامعه سالم یا جامعه برخوردار از سلامت توجه دارد (امینی رارانی و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجا که نهادهای خانه و مدرسه هر دو وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان را بر دوش دارند؛ لذا ارتباط بین این دو نهاد تربیتی لازم و ضروری به نظر می رسد. چرا که نه مدرسه می تواند بدون همکاری خانواده ها رسالت تعلیم و تربیت خویش را به شکل صحیح اجراء نماید و نه خانواده ها می توانند بدون ارتباط مستمر با مدرسه در جهت سلامت اجتماعی، تربیت صحیح و رفع مشکلات تحصیلی فرزندان خود اقدامی مناسب انجام دهند (ناصرین، ۱۳۹۴). بنابراین، روشن است دو نهادی که به طور مستقیم در سلامت اجتماعی دانش آموزان تأثیر می گذارند، خانه و مدرسه است. هر چند ماهیت و چگونگی تجارب آموزشی، پرورشی و رشد کودک، تحت تأثیر عوامل متنوعی همچون سیاست، دولت و ارزش های بومی و قومی قرار می گیرد، اما بسیاری از آثار گسترده جامعه، از طریق فرصت ها و تجربه های به دست آمده در این دو نهاد بر کودک عرضه می شود. با توجه به اولویت خانواده در زندگی اغلب دانش آموزان، و اهمیت عملکرد مدرسه برای فرصت های آینده زندگی، تعجب آور نیست که حجم وسیعی از تحقیقات موجود پیرامون روابط میان زمینه های خانوادگی و یادگیری مدرسه انجام گرفته است. هم چنین جای تعجب نیست که یافته های این تحقیقات نشان می دهد که تأثیر خانواده در معنادگی به سلامت زندگی اجتماعی دانش آموز قابل توجه است. با این وجود، خانه و مدرسه از لحاظ اولویت ها، خواسته ها و انتظاراتی که سعی دارند به آن ها برسند، سامان دهی مکانی و زمانی خود، شیوه های خاص برقراری ارتباط با کودکان، سمت و شکل ظاهر خود و در بعضی موارد از نظر فرهنگ و زبان با همدیگر متفاوتند. به خصوص، جامعه شناسان و روان شناسان، از جمله عوامل مهم بروز مشکل در رفتار فرزندان را تعارض و ناهماهنگی رفتاری بین پدر و مادر یا والدین و مربیان می شناسند. آنان به لحاظ کارکردی معتقدند چنانچه رفتارهای پدر و مادر با فرزند در محیط خانواده یا رفتار والدین و مربیان در محیط های خانه و مدرسه در تعارض و تضاد باشند، این تعارض به اختلال رفتاری، که ناشی از بالatkلیفی فرد در امر الگوپذیری است، منجر خواهد شد و عوارض سوء روانی و رفتاری را به دنبال دارد. بر عکس، اگر هماهنگی رفتاری والدین با همدیگر در خانواده یا همسویی رفتاری والدین با مربیان به وجود آید، علاوه بر ایجاد سازگاری در فرزند، تقویت رفتارهای مطلوب و سلامت آنان را نیز موجب می گردد (سرعتی، ۱۳۹۲).

با این حال، بین دو نهاد خانه و مدرسه که در یکی آموزه ها و در فضای عاطفی و غیر مستقیم و در دیگری فضایی رسمی و مستقیم صورت می پذیرد، تفاوت وجود دارد. لذا، ایجاد هماهنگی و تعامل نزدیک و مشترک، یک ضرورت مسلم و اجتناب ناپذیر است (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۸۳). برای تحقق این هدف، والدین به عنوان وظایف اصلی معمولاً می پذیرند که نیازهای جسمی کودکان را در ارتباط با غذا، لباس، تغذیه، بهداشت و سلامت اجتماعی فرزندان را فراهم سازند؛ مهارت های اساسی اجتماعی را به آنان آموزش دهند؛ و مبانی یادگیری آنان را در مدرسه پایه گذاری و از آن حمایت نمایند. مدرسه نیز به نوبه خود، وظیفه فراهم ساختن محیط مناسب، معلمان و برنامه هایی را که مطابق نیازها، علائق، شیوه های یادگیری و مسائل شرکت کنندگان باشد، به عهده می گیرد. بسیاری از مدارس و خانواده ها به دلایل مختلف وظایف عمده خود را آن طور که شایسته است، انجام نمی دهند. شاید برخی مدارس سهم ناچیزی در ترغیب والدین به مشارکت یا انطباق دادن شیوه های خود با ویژگی های کودکانی که با سوابق مختلف به آن جا آمده اند، ایفاء نمایند. هدف مشترک خانه و مدرسه آن است که هنجارها، ارزش ها، اعتقادات مذهبی، سلامت اجتماعی، اخلاقی و غیره را در فرد درونی نمایند و به آنها مطالبی بیاموزند تا بتوانند متناسب با هنجارهای جامعه ای که در آن به سر می برند، زندگی کنند (ذوالفقاری زعفرانی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی، این مقاله به جای مدرسه به خانواده ارزش و اهمیت بیش تری می دهد. در عین حال این اهتمام به این معنی نیست که در تأمین نیازهای دانش آموزان سازگاری با محیط مدرسه لازم نباشد، به ویژه آن که توانایی ها، نگرش ها و ارزش های برگرفته کودکان از خانه نسبت به آن هایی که در مدارس شکوفا می شود، بسیار متفاوت است. به علاوه، باید پذیرفت که اغلب خانواده ها ممکن است بدون همکاری مؤسساتی از قبیل مدارس، قادر به تأمین نیازهای آموزشی و سلامت اجتماعی کودکان نباشند. بعضی خانواده ها در تأمین نیازهای اساسی کودکان (مانند نیاز غذایی) مشکل دارند. در عین حال، در یک مقیاس وسیع تر شواهد فراوانی

وجود دارد که نقش مؤثر بسیاری از خانواده ها در فراهم ساختن شرایط مناسب برای پیشرفت تحصیلی کودکان تحت تأثیر منفی تحولات مختلفی قرار می گیرد که در ساختار و عملکرد جامعه و خانواده روی می دهد. در نتیجه، بر اساس پژوهش های انجام شده، بچه هایی که در خانه آموزش دیده اند، بهتر از بچه هایی که در مدارس عمومی آموزش دیده اند، اجتماعی شده اند، به بلوغ رسیده اند و به اندازه کافی معنای واقعی زندگی را آموخته اند (سمدی، ۲۰۰۱).

همچنین، لازم است والدین به کودکان حق انتخاب کردن بدهند. زمانی که والدین به کودکان حق انتخاب بین دو گزینه یا بیشتر را بدهند، او فرصتی می یابد که با انتخاب گزینه مناسب خود، احساس کند که بر امور زندگی خود تا حدی تأثیرگذار است و این امر به سلامت اجتماعی، کاهش مقاومت و لجبازی او، به خصوص در سنینی که کودکان در جستجوی تثبیت هویت خود و تشخیص طلبی می باشند، کمک خواهد کرد. دادن حق انتخاب، علاوه بر ایجاد محبت و تقویت خودباوری کودک، موجب رضایت والدین نیز خواهد شد (بازرگان، ۱۳۹۵). متأسفانه، از جمله تحولات اجتماعی که امروزه بر ساختار و روابط خانواده تأثیر می گذارد، تحولاتی از قبیل شهرنشینی، مهاجرت نیروی کار و پیشرفت تکنولوژی (به ویژه تلویزیون و فضای مجازی) است که به موازات آن کانون گرم خانواده ها را از هم فاصله داده و به نوعی روابط گرم و صمیمی گذشته را نسبت به زمان حال سردتر کرده و سلامت روانی خانواده ها را تحت شعاع قرار داده است (کلمن، ۲۰۱۰).

مع الوصف، چنین شرایط خانوادگی با عوامل دیگری پیوند می خورد که آموزش و پرورش رسمی کودکان را حمایت نمی کند. به علاوه، احتمالاً مادران با تحصیلات پایین، عامل اصلی ناکامی و ترک تحصیل زودرس کودکان می باشند. بر اساس برآوردهای انجام شده در امریکا، حداقل یک سوم کودکان پیش دبستانی حتی پیش از ورود به کودکستان به دلیل شرایط مختلف خانوادگی مانند فقر، کم توجهی، بیماری، فقدان حمایت و تربیت بزرگسالان، با خطر ناکامی در مدرسه مواجه می شوند. این نسبت احتمالاً در دهه های آینده افزایش می یابد. دسترنج (۱۳۹۲)، در پژوهشی نتیجه گرفت متغیرهای تحصیلات مادر، وضعیت اشتغال مادر، شغل مادر، شغل پدر، تحصیلات پدر، درآمد خانوادگی با جامعه پذیری رابطه معنادار دارند که برخی از آنها با جامعه پذیری رابطه مستقیم و برخی رابطه معکوس داشته اند.

تحقیق سیدی (۱۳۹۲)، نشان داد مدرسه در مقام کارگزار اجتماعی شدن توانسته است سیمایی مشروع در نظر دانش آموزان داشته باشد و عاملی اثرگذار در شکل گیری ارزش های دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معرفی شود. بسیاری از مطالعات در یک زمینه پژوهشی صرف انجام گرفته است. اما، تعدادی از آن ها مسائل مربوط به ایل، قوم، مذهب و سیاست را بررسی کرده اند. از جمله پژوهش های مربوط به زمینه سیاست گذاری، می توان به تلاش های انجام گرفته برای کاربرد یافته های مطالعات مربوط به روابط بین ویژگی های خانه و عملکرد تحصیلی اشاره کرد که درصدد بوده است بی عدالتی ها را بر ملاء و کارایی برنامه های اصلاحی را آشکار سازد. هدف عمده این تحقیقات، بیشتر بر آورد نقش گستره عوامل نسبی، (مثل طبقه اجتماعی، نژاد، جنسیت) است تا تعیین سهم تلاش و گزینش افراد در پیشرفت تحصیلی و زندگی آینده باشد. چنین تحقیقاتی در حوزه کلی مطالعات مربوط به تساوی فرصت های آموزشی و پرورشی قرار می گیرد. سایر مطالعات مربوط به تساوی فرصت ها روش نسبتاً متفاوتی را پیش گرفته و سهم نسبی عوامل خانه و مدرسه را در ارتقای سلامت اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بررسی کرده است.

جمعی از محققان در بررسی رابطه خانه و مدرسه، استفاده از روش شناسی قوم نگاری را به عنوان جانشین روش های سنتی تجربی مطرح کرده اند. در این تحقیقات، حوزه اصلی مورد علاقه گفتمان معناهای سلامت اجتماعی است که ایفاء کنندگان نقش از دانش آموزان، معلمان و والدین به اهداف، نیات و اقدامات خودشان و دیگرانی که با آنان تعامل دارند، ضمیمه می کنند. با استفاده از الگوی تفسیری تجزیه و تحلیل موضوع هایی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است، شامل موضوعاتی از قبیل اطلاعات معلمان از زندگی دانش آموزان و مسئولیت پذیری والدین در قبال فعالیت های آموزشی مربوط به مدرسه، بوده است. یکی دیگر از عوامل مؤثر در رشد و تکامل دانش آموز جامعه است. جامعه ارزش های مثبت و منفی را تعیین و معیارهای ارزش یابی را به طور مستقیم یا غیر مستقیم اعلام می کند و از همه اعضا و افرادش انتظار دارد که آنها را دقیقاً و با اعتقاد کامل بپذیرند و رعایت کنند. از آنجا که آدمی ناگزیر

از زندگی در جامعه است، زندگی و سلامت اجتماعی هنگامی لذت بخش خواهد بود که بین افراد آن یک هماهنگی نسبی وجود داشته باشد (ماسن، ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۸۱).

در واقع، هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش رابطه خانواده و مدرسه در معنادگی به ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان است که مورد توجه نگارنده مقاله قرار گرفته است. در این راستا، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که خانه و مدرسه تا چه اندازه توانسته‌اند در معنادگی به ارتقای سلامت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان مفید بوده و ایفای نقش نموده‌اند؟

## روش

شیوه این پژوهش با توجه به هدف و ماهیت موضوع، به صورت کیفی و به روش تحلیل محتوا انجام شد. تحلیل محتوا در تحقیقات کیفی کاربرد وسیعی دارد و شیوه‌ای مناسب برای به دست آوردن نتایج معتبر و پایا از داده‌های متنی به منظور ایجاد دانش، ایده‌ای جدید، ارائه حقایق و راهنمای عملی برای عملکرد است. معمولاً در این پژوهش، فضاهایی که فرد در آن زندگی می‌کند و در آن موقعیت قرار گرفته است، اهمیت اساسی دارند. بنابراین، پژوهش حاضر، شامل کلیه دانش‌آموزان ۳ دبیرستان دخترانه رضوان، زینب و پروین شهرستان آبدانان از توابع استان ایلام، به تعداد ۳۳۴ دانش‌آموز دختر در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ می‌باشد که ۳۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری همان طوری که منطق و مبنای آن کیفی تلقی؛ بر پایه‌های نظری استوار است. فرآیند نمونه‌گیری شرکت‌کنندگان به این صورت بود که پس از مراجعه به آموزش و پرورش منطقه و کسب مجوز و پس از معرفی طرح پژوهشی برای همکاران هر مدرسه، مصاحبه با هر کدام از مدیران، معاونین آموزشی و پرورشی که داوطلب انجام مصاحبه بودند، انجام گرفت و اطلاعات لازم گردآوری شد. هدف از انجام این مصاحبه‌ها، چگونگی معنادگی رابطه خانواده و مدرسه به امر ارتقای سلامت اجتماعی شدن زندگی دانش‌آموزان از دیدگاه عوامل آن بود. برای دستیابی به این هدف، پژوهش هم از طریق پرسش و هم از طریق مشاهده عملکرد واقعی آنها در مدرسه صورت گرفت. سپس گروه دیگر مورد مصاحبه، اولیای دانش‌آموزان، از جمله مادران آنان بودند که فرزند دختر دبیرستانی داشتند. در این سطح نیز با ۲۴ نفر از مادران آنها مصاحبه به عمل آمد که هدف از مصاحبه پی بردن به عمق معنادگی به سلامت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان از نگاه اولیای محترم بود.

جمع‌آوری داده‌های این پژوهش اغلب از طریق ضبط صدای مصاحبه‌شوندگان صورت گرفته و مصاحبه‌ها، پس از ضبط به متن تبدیل شده و سپس تحلیل داده‌ها بر اساس متن انجام شده است. مصاحبه‌ها به طور انفرادی و در جلسات ۶۰-۳۰ دقیقه‌ای بوده و فرآیند مستندسازی داده‌ها شامل تبدیل فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها به متن است (فلیک، ترجمه جلیلی، ۱۳۸۸). در این تحقیق، کدگذاری جمله به جمله انجام شده است. به این ترتیب که هر جمله به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته و کد مربوط به آن نوشته شده است. در واقع فرآیند کدگذاری از داده‌ها شروع و در مراحل بعدی به مفاهیم انتزاعی تبدیل می‌شود. البته این مفاهیم به داده‌های تجربی حاصل از متن مصاحبه‌ها ضمیمه می‌شوند. فلیک معتقد است اگر چه نمی‌توان برای پژوهش کیفی از معیارهای اعتبار و روایی پژوهش کمی استفاده کرد، اما می‌توان در پی راه‌های دیگری برای ارتقای کیفیت در این روش بود و سطح کیفیت کار را ارزیابی کرد. لذا در این پژوهش سعی شده است تا این موارد به فراخور پژوهش رعایت شود.

در شهر عشیره ای آبدانان، مفهوم شهروندی آن چنان که باید شکل نگرفته است و افراد بیش از آنکه خود را یک شهروند آبدانانی تلقی کنند، خود را متعلق به یک طایفه می‌دانند. در آبدانان افراد هنوز بیش از آنکه تحت حمایت‌های اجتماعی نظام دیوان سالاری شهری باشند، از حمایت‌های ساختار خانوادگی بهره می‌برند. درصد بالای ازدواج‌های درون همسری، نحوه پراکندگی قومیتی در فضای شهری، نحوه گذراندن اوقات فراغت به صورت دسته جمعی و خانوادگی و حضور قدرتمند هنجارهای خانوادگی در مراسم‌های گوناگونی مانند عروسی، عزاداری، صلح و سازش نشانه‌هایی از حاکمیت هنجارهای قبیله‌ای و خانوادگی است. علاوه بر ذهنیت افراد در مورد تعلق‌شان به ایل، نحوه پراکندگی افراد در شهر و ایجاد فضای شهری با نوعی پراکندگی قومی همراه است که به خوبی می‌توان بعد از سالیان متمادی از شهری شدن این جامعه مشاهده کرد. یک فرد آبدانانی بیش از آنکه خود را متعلق به شهر بداند، خود را

عضوی از ایل تلقی می‌کند. هر فرد، تیره یا ساکنان روستایی خود را به یک هویت جمعی خاص، مانند ما ناصرالی ها، ما زروش ها، و...، متعلق، منتسب و مدیون می‌داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌کند. در واقع، ترتیب در این جامعه مبتنی بر اسکان عشایر، خانواده، گفتمان و معنادگی به سلامت زندگی اجتماعی دارد که خود جزئی از نظام خویشاوندی است و خودی و دیگری در این امر اجتماعی در ارتباط بوده و با هم در نهایت دوستی، سلامت و صمیمیت، در کنار هم زندگی می‌کنند و به فرزندان خود راه و رسم درست سلامت و زندگی اجتماعی را می‌آموزند و به آن معنا می‌بخشند.

بالتبع، با پیشرفت تکنولوژی مدارس هم در آبدانان به دور از این تغییر و تحولات نبوده است. از این جهت، گفتمان حاکم بر مدرسه کاملاً مستقل نیست، چون کارگزاران آن، فضای اجتماعی پیرامون مدرسه، ذهنیت و فضاهای فرهنگی و تربیتی دانش‌آموزان و بسیاری از مسائل دیگر، بر آن تاثیر گذارند. بدین لحاظ، نمی‌توان فقط به قوانین مدون در آن تکیه کرد، بلکه این پارادوکس در معرض تغییراتی قرار دارد که ناشی از عملکرد متفاوت اولیای مدرسه و خود دانش‌آموزان است که در معنادگی به سلامت و زندگی واقعی دانش‌آموزان تعارض ایجاد می‌کند. تنها راهی که می‌شود یک زندگی بهتر داشت این است که رشد کنیم، تنها راهی که می‌شود رشد کرد این است که تغییر کنیم و تنها راهی که می‌شود تغییر کرد این است که چیزهای جدید یاد بگیریم تا سالم بمانیم. به ویژه، مدرسه همگام با شهرنشینی رشد داشته و از آن تاثیر پذیرفته، ضمن آن که بر آن تاثیر گذاشته است. غالباً، با مروری بر این موارد و با گذری بر توصیف فضای حاکم در دبیرستان های رضوان، زینب و پروین آبدانان سعی شده است که رابطه متقابل مدرسه در معنادگی به سلامت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان تبیین شود.

دبیرستان رضوان در چند طبقه نوساز و با محیطی زیبا در شمال شهرستان آبدانان قرار دارد و از فضایی مناسب و دل نشین برخوردار است. مدرسه کادری قوی و مجرب دارد و دبیران آن از بهترین دبیران شهر آبدانان هستند. تلاش کلیه اولیای مدرسه از جمله فعالیت های مدیر، معاونان آموزشی، مشاور، مربی پرورشی و دبیران محترم در تمام زمینه های تحصیلی، آموزشی، انضباطی، تربیتی، مذهبی و سلامت اجتماعی دانش‌آموزان چشمگیر به نظر می‌رسد. آموزش خوب و کادر علمی قوی، رفتار مناسب معلمان و کادر مدرسه؛ محیط شاد و توأم با احترام، مشارکت دانش‌آموزان دختر در برنامه های جنبی مدرسه و توجه به سایر امکانات آموزشی و رفاهی دانش‌آموزان از دغدغه های مهم اولیای مدرسه بوده که به پرورش و سلامت بهتر دانش‌آموزان این مدرسه کمک کرده است. به گفته مدیر مدرسه، یکی دیگر از دغدغه های ما در این مدرسه تاکید و توجه به معنادگی به امر مقدس حجاب در زندگی و ارتقاء سلامت اجتماعی دانش‌آموزان است تا بدین لحاظ زندگی سالم تر و اخلاق محوری داشته باشند. به یاد دارم روزی مادر یکی از دانش‌آموزانم به مدرسه آمد و گفت: من هیچ وقت نه نماز می‌خواندم و نه اهل رعایت حجاب بودم؛ اما از وقتی دخترم در مدرسه تغییر کرده است، هر روز مطالبی که از شما یاد می‌گرفت را در خانه به من منتقل می‌کرد. به همین ترتیب، زندگی من هم دستخوش تحولاتی شد. من اکنون عاشق حجاب و دینم شده ام و مادری هستم که از دخترش مادری یاد گرفته است. ما برای تمام مسائل فرهنگی کار می‌کنیم، اما عملکردمان در حجاب بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بله، می‌دانیم افراط و تفریط در هر کاری نتیجه عکس می‌دهد؛ اما من به همان اندازه ای که از حجاب می‌گویم، در مواقعی که نامحرم در مدرسه حضور ندارد، فضا را برای دختران مدرسه ام آزاد و اختیاری کرده ام. چون نمی‌خواستیم تا این قانون به صورت اجباری و بی‌میل اجراء شود و سلامت اجتماعی دانش‌آموزان خدشه دار گردد.

دبیرستان زینب در جنب دادگستری و کمربندی ضلع غربی شهرستان آبدانان قرار گرفته، فضای مدرسه کمی قدیمی تر نسبت به سایر دبیرستان ها و دارای بیشترین جمعیت دانش‌آموزی بوده و شامل تمام رشته های تحصیلی است. اغلب ساکنان این محله از طبقه متوسط به لحاظ مالی و اقتصادی هستند. به عقیده مدیر مدرسه، اولیاء، دبیران و دانش‌آموزان سه مثلثی هستند که باید همدیگر را حفظ کنند. وی معتقد است فعالیت های مدرسه در یک قالب ثابت نیستند، بلکه مدام به روز می‌شوند. مدیر مدرسه با تأکید بر پوشش دختران دانش‌آموز، اظهار می‌دارد: من همیشه در سخنرانی ها به بچه ها می‌گویم، دوست دارم شماها را در محیط مدرسه زیبا ببینم، حتی بدون حجاب هم عزیز هستید. اما وقتی از مدرسه بیرون می‌روید، هم به قانون مدرسه احترام بگذارید و هم

عمیقاً" دوست دارم با اعتقاد قلبی مُحجبه باشید. اگر هم چادر سر نمی‌کنید، حجابتان در خارج از مدرسه مناسب باشد. اما به همین بسنده نمی‌کنیم و در طول سال تحصیلی برای اعتقادات بچه‌ها به طور اساسی وقت می‌گذاریم. حتی از آن‌ها خواسته‌ام از طریق یک صندوق دلایل عدم تمایلشان به حجاب را برایم بنویسند تا بیشتر با روحیات و نیازهایشان آشنا شده و بتوانیم به سلامت اجتماعی آنان کمک کنیم.

دبیرستان پروین در ضلع شرقی شهرستان آبدانان، با چند طبقه و با سرزمینی وسیع در محله باقر صدر و دارای سه رشته و ۱۲۰ نفر دانش‌آموز با فضایی نسبتاً قدیمی می‌باشد. فعالیت‌های مدیر مدرسه، معاونان آموزشی و مربی تربیتی این دبیرستان قابل تقدیر است. به گفته مدیر مدرسه، مقررات حجاب در این مدرسه به نحو مطلوب در جهت ارتقاء سلامت اجتماعی دانش‌آموزان اجراء می‌شود. از یک طرف، با موهایی برخی از دانش‌آموزان که گهگاهی بیرون از مقنعه دیده شود تذکر داده می‌شود، به نحوی که موجب رنجیدگی خاطر دانش‌آموز نگردد. در عین حال از طرف دیگر، بعضی مواقع بعد از برنامه‌های آموزشی و اتمام کلاس‌ها و در اوقات فراغت، جهت معنادهی به فلسفه حجاب و گریزان نکردن دانش‌آموزان نسبت به حجاب، برنامه‌ای بسیار شاد و جذاب داریم که در آن دخترانمان لباس‌های شیک خود را به مدرسه می‌آورند و موهایشان را مدل داده و اگر خواستند خودآرایی می‌کنند و با شادی‌های جمعی و حلال آزادانه انرژی خودشان را تخلیه می‌کنند. به خصوص، هر دختری میل به خودنمایی و زیبا دیده شدن دارد و ما با این کار فضایی فرح‌بخش برای سلامت، آرامش روحی مملو از ذوق دخترانه را برای بچه‌ها مهیاء کرده‌ایم. من برای آسایش آنها ساعات حضورشان در مدرسه را طوری تنظیم می‌کنم که بچه‌ها راحت بتوانند در راهروها و سالن‌های مدرسه مقنعه خود را در بیاورند تا راحت باشند، حتی به آنها می‌گویم که جلوی من خیلی راحت و بدون مقنعه باشند؛ ولی از درب مدرسه که بیرون می‌روند پرچم دار حیا و حجاب باشند. با فراهم سازی این زمینه‌ها، می‌توانیم در رشد و تکوین شخصیت دانش‌آموزان و ارتقاء سلامت اجتماعی آنان نقش مؤثری داشته باشیم. در مجموع، دبیرستان پروین از این جهت مؤفق بوده و تمام سعی و تلاش خود را برای رشد سلامت فردی و اجتماعی دانش‌آموزان خود به کار گرفته است.

## یافته‌ها

اطلاعات به دست آمده از مصاحبه با تعدادی از شرکت‌کنندگان، محصول تجربه خانواده‌ها، مدارس، اولیای مدارس شامل مدیر مدرسه، معاونین آموزشی، مربیان پرورشی و دانش‌آموزان در رابطه با معنادهی به سلامت زندگی اجتماعی دانش‌آموزان بود که بر پایه علمی تحقیقات کیفی بیان گردید. در این بخش، پس از بیان ویژگی‌های دموگرافیک افراد شرکت‌کننده که در جدول ۱ آورده شده است، سرانجام به تحلیل کیفی اصلی پژوهش با توجه به موارد ذیل پرداخته می‌شود.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی گروه مورد مطالعه

شماره آزمودنی	سن	جنسیت مطلوب	وضعیت تاهل	تحصیلات	مدرسه، والدین
مورد ۱	۱۸	زن	مجرد	پیش‌دانشگاهی	پروین
مورد ۲	۴۶	زن	متاهل	دیپلم	مادر
مورد ۳	۴۲	زن	متاهل	لیسانس	رضوان
مورد ۴	۳۹	زن	متاهل	لیسانس	زینب
مورد ۵	۴۱	زن	متاهل	لیسانس	زینب
مورد ۶	۴۳	زن	متاهل	لیسانس	پروین
مورد ۷	۴۰	زن	متاهل	لیسانس	پروین
مورد ۸	۴۷	زن	متاهل	دیپلم	مادر
مورد ۹	۱۷	زن	مجرد	پایه دوازدهم	رضوان
مورد ۱۰	۴۹	زن	متاهل	لیسانس	زینب
مورد ۱۱	۴۴	زن	متاهل	لیسانس	رضوان

مورد ۱۲	۱۷	زن	مجرد	پایه دوازدهم	زینب
مورد ۱۳	۱۸	زن	مجرد	پیش دانشگاهی	رضوان
مورد ۱۴	۴۵	زن	متاهل	فوق لیسانس	مادر

امروزه خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، مهم ترین نهاد نقش آفرین برای رشد، پرورش و سلامت فرد محسوب می شود. رفتار هر عضو خانواده بر رفتار دیگر اعضاء تأثیر دارد و سیستم خانواده یک سیستم پویا است و دائماً با رویدادهای تازه، تغییرات رشدی اعضای خانواده و تغییرات اجتماعی سازگار می شود. اما علی رغم این تغییرات می توان ویژگی های با ثباتی را در عملکرد خانواده ها یافت که نحوه رفتار والدین با فرزندان و ارتباط خواهران و برادران را تعیین می کند (بخشایی، ۱۳۸۸). در خانواده، فرد هم دانش آموز است، هم دختر، هم فرزند و هم دارای هویت ایلی است. به عنوان دانش آموز بودن از او انتظار هست که تحصیل کند، به نام دختر بودن از او می خواهیم با آبرو و سلامت زندگی کند و هویتی جنسیتی مطابق با هنجارهای جامعه سنتی را بپذیرد و با نام فرزند بودن به وی الزاماتی در مورد تعهد به والدین می بخشد. بنابراین، به موازات فرآیند مصاحبه های به عمل آمده، یافته ها بر مبنای کدگذاری تحلیل شد.

مورد ۱- دانش آموز مدرسه پروین: در مصاحبه ای که با یکی از دانش آموزان مدرسه پروین در زمینه چگونگی حفظ حجاب اسلامی به عمل آمد، این دانش آموز پیش دانشگاهی اظهار داشتند، اولین ایرادی که بر پوشش دختران می گیرند این است که دلیل معقولی ندارند و چیزی که منطقی نیست نباید از آن دفاع کرد. دختر نیز مانند پسر دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است. این استعدادها را خدا به او داده است و بیهوده نیست و هدف پوشش اسلامی این است که این استعداد باید در جهت سلامت وی به ثمر برسد.

مورد ۲- مادر: بیان فرمودند، اگر دختران در اجتماعات عمومی لباس ساده بپوشند، کفش ساده به پا کنند، با چادر یا مانتو و روسری کامل به مدرسه و دانشگاه بروند، آیا در چنین شرایطی بهتر درس می خوانند یا با وضعی که مشاهده می کنیم؟ چرا اصرار می ورزند که دبیرستان های مختلط به وجود آورند؟ ما شنیده ایم که در پاکستان معمول بوده است که در کلاس های دانشگاه بخش پسران و دختران به وسیله پرده از یکدیگر جدا هستند و فقط استادی که پشت تریبون قرار می گیرد، مشرف بر هر دو می باشد. آیا بدین طریق درس خواندن اشکالی دارد که سلامت روانی دانش آموزان تقویت و شکوفا شود؟

مورد ۳- مدیر دبیرستان رضوان: بنا بر اظهارات این مدیر، مدرسه ما به شکوفایی استعدادهای، توانایی جسمی دانش آموزان و سلامت اجتماعی آنها اهتمام دارد و در جهت تأمین فضا و امکانات ورزشی کوشا می باشد. در مدرسه ما فضای نمازخانه رغبت انگیز، سالن ها وسیع و تمیز، سرویس های بهداشتی تمیز و استاندارد می باشند. دانش آموزان در کارهای گروهی و فعالیت های آموزشی و تربیتی مثل شورای دانش آموزی، اقامه نماز، انجمن های علمی و غیره با علاقه شرکت دارند. معلمان و همه افرادی که با دانش آموزان سر و کار دارند از سواد کافی برخوردارند و با مسائل تعلیم و تربیت و روان شناسی آشنایی دارند.

مورد ۴- مربی پرورشی دبیرستان زینب: فرمودند، اساساً هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است. وقتی در آفرینش به یک موجود استعداد و لیاقت کاری داده شده است، این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد استعداد خود را به شکوفایی و فضیلت برساند و اسیر کردن آن ظلم است. پس دختران نیز باید با حفظ حجاب اسلامی و سلامت خود در تمام صحنه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و علمی بدرخشند و حضور فعال داشته باشند.

مورد ۵- معاون دبیرستان زینب: در پاسخ خود ابراز داشتند لازم است تذکر دهیم که فرق است بین زندانی کردن دختر در خانه و بین مؤظف دانستن او به اینکه وقتی می خواهد با دیگران مواجه شود پوشیده باشد. در اسلام محبوس ساختن و اسیر کردن زن وجود ندارد. حجاب در اسلام یک وظیفه ای است بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد مرد، باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی است که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز به حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب می شود. خصوصاً، شرافت زن اقتضاء می کند

هنگامی که از خانه بیرون می‌رود، متین و سنگین و با وقار باشد و من این امر را به دختران دانش‌آموز خود یاد داده‌ام که هم احساس امنیت و آرامش نمایند و هم سلامت روانی آنها خدشه دار نشود.

مورد ۶ - مربی پرورشی مدرسه پروین: بیان کردند، مناسب‌ترین و سالم‌ترین مدرسه، مدرسه‌ای است که هم در راستای فضای تربیتی خانواده باشد، و هم بستر بروز و ظهور خلاقیت و استعداد دانش‌آموزان را فراهم نماید و به تفاوت‌های آنها احترام بگذارد و اولیای دانش‌آموزان را در امر تعلیم و تربیت درگیر کند و گزارش‌های خوب و به موقع از وضعیت تحصیلی و فرهنگی دانش‌آموز به ایشان ارائه نماید.

مورد ۷ - معاون دبیرستان پروین: مدرسه ما نه تنها در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، بلکه بیشتر از آن در رتبه و برنامه‌های علمی و پژوهشی جایگاه بسیار خوبی در منطقه و استان دارد و بهترین و توانمندترین دبیران را جذب کرده‌ایم. اگر ما به فعالیت‌های فرهنگی وارد شدیم، به این معنا نیست که از فعالیت‌های درسی بچه‌هایمان کم کرده‌ایم؛ بلکه طوری برنامه‌ریزی نموده‌ایم که ضمن توجه به بهداشت روانی دانش‌آموزان و امور فرهنگی و هنری، الباقی زمان دانش‌آموزان در مدرسه به امور درسی اختصاص دارد. همین برنامه‌ها هم به قدری متنوع است که دانش‌آموزان استقبال زیادی از آن دارند.

مورد ۸ - مادر: در پاسخ مصاحبه‌ای دیگر، اظهار داشتند مصلحت خانوادگی ایجاب می‌کند که خارج شدن دختری از خانه توأم با جلب رضایت پدرش و مصلحت‌اندیشی او باشد؛ البته پدر هم باید در حدود مصالح خانوادگی نظر بدهد، نه بیشتر از آن اظهار نظر نماید. گاهی ممکن است رفتن دختری به خانه اقوام و فامیل خودش هم مصلحت نباشد. فرض کنیم دختر خانمی می‌خواهد به خانه همکلاسی‌اش برود که وی فرد موجهی به نظر نمی‌رسد که رفتنش نیز بر خلاف مصالح خانوادگی است. پس او بهانه می‌گیرد و زندگی را سخت می‌کند. در چنین مواردی خانواده حق دارد که از این معاشرت‌های زیان‌بخش جلوگیری نماید تا سلامت اجتماعی وی محفوظ بماند.

مورد ۹ - دانش‌آموز مدرسه رضوان: در مصاحبه‌ای دیگر از دختر دانش‌آموز مدرسه رضوان بیان فرمودند واقعیت امر این است که بسیاری از مهارت‌هایی که در زندگی شخصی خودم آموخته‌ام مدیون فعالیت‌های فوق برنامه این مدرسه بوده است. زیرا، فضای فرهنگی، هنری، بهداشت روانی و فن‌آوری برای رفع نیازهای علمی و تحقیقی دانش‌آموزان را مهیاء می‌کند. عوامل آموزشی مدرسه خوب با دانش‌آموزان دوست و رفیق هستند، به نحوی که دانش‌آموزان زیباترین احساس را در این محیط دارند.

مورد ۱۰ - مدیر دبیرستان زینب: بیان فرمودند ممکن است دختری یک طرز لباس بپوشد یا راه برود که رفتار بی‌مزه‌اش حرف‌بزند، فریاد بزند که به دنبال من بیا، سر به سر من بگذار، متلک بگو، در مقابل من زانو بزن و اظهار عشق و پرستش کن. آیا حیثیت و سلامت اجتماعی دختر ایجاب می‌کند که این چنین باشد؟ آیا اگر ساده و آرام بیاید و برود، حواس پرت کن نباشد و نگاه‌های آلوده پسران را به سوی خود جلب نکند، این طوری با حجاب تر، با وقارتر، سالم تر و سنگین تر نیست؟

مورد ۱۱ - معاون دبیرستان رضوان: در تحلیل خود فرمودند، چرا می‌گوییم همه افراد بشر اعم از زن و مرد حق دارند درس بخوانند و این حق را برای حیوانات قائل نیستیم؟ در پاسخ می‌گوییم برای اینکه استعداد درس خواندن در بشر وجود دارد و در حیوانات وجود ندارد. در حیوان استعداد تغذیه، بهداشت روانی و تولید مثل وجود دارد و محروم ساختن او از این کارها بر خلاف عدالت است. بنابراین، باز داشتن دختران از کوشش‌هایی که آفرینش به آنان امکان داده است، نه تنها بی‌توجهی به آنهاست، بلکه بی‌تفاوتی به اجتماع نیز هست. هر چیزی که سبب شود قوای طبیعی و خدادادی انسان معطل و بی‌اثر بماند، به زیان اجتماع و آسیب رساندن به سلامت فرد است. عامل انسانی بزرگترین سرمایه اجتماع است. دختر نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره‌مند گردد و استعدادش را به سوی سلامت اجتماعی و معنادهی به زندگی واقعی شکوفا سازد.

مورد ۱۲ - دانش‌آموز مدرسه زینب: اظهار داشتند البته می‌توان فهمید دختران برای دور نگه داشتن خودشان از نامحرم و سلامت اجتماعی خویش، این حقیقت را در تمایل آنها به پوشش بدن خود و مخفی کردن خود به صورت یک راز برای شان تأثیر فراوان داشته است. خانواده من به حجاب و سلامت فردی و اجتماعی من اهمیت می‌دهند، ولی خیلی گیر نمی‌دهند. مامانم می‌گه دختر



خودش باید با ادب باشه، خوب باشه، به چادر نیست. اگر خودش شخصیت داشته باشه، نه به چادر است، نه به آرایش یا پوشیدن لباس های شاد و متنوع دیگه...!

مورد ۱۳ - پیش دانشگاهی رضوان: فرمودند یک دختر باید در طرز رفتار و لباس پوشیدنش باعث تحریک دیگران نشود و عملاً جنس مخالف را به سوی خود دعوت نکند، زبان دار لباس نپوشد، زبان دار راه نرود، زبان دار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد. چه با آهنگی گاهی اوقات ژست ها سخن می گویند، راه رفتن انسان سخن می گوید و طرز حرکاتش انگشت نما می شود. پس به جوری لباس بپوشیم که سلامت مون حفظ شود، برامون حرف در نیارند و مناسب خودمان و خانواده مان باشد.

مورد ۱۴ - مادر: بی گمان شناخت مشکلات دختران امروز، رابطه مستقیم با سلامت روحی و جسمی آنان داشته و مؤفقیت جامعه فردا در گرو ارتقاء سلامت اجتماعی دختران امروزی است که تعدادی از آنها هم مادران فردا هستند. اما متأسفانه و با وجود تغییرات بنیادین در ساختار فرهنگ جامعه ما، هنوز هم در بسیاری از خانواده ها که نگرش جنسیتی حاکم است، پسران بر دختران، از بعضی جهات، ترجیح داده می شوند. تبعیضی ناعادلانه که روح دختران را خدشه دار کرده و چه بسا باعث بروز رفتارهایی نابهنجار در دختران می شود. لذا، ایجاد چنین محدودیت هایی برای دختران که عمدتاً در خانواده های پدر سالار دیده می شود، آسیب های جدی روحی و روانی به دختران وارد می کند. بنابراین، داشتن جامعه سالم منوط به داشتن دخترانی سالم است. بدون تردید، اعمال هر گونه خشونت به آنان تأثیر مستقیم در روح جامعه دارد.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر، با هدف بررسی نقش خانواده و مدرسه و رابطه متقابل این دو در معنادهی به ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی دانش آموزان دختر دبیرستانی شهر آبدانان از توابع استان ایلام انجام گرفت. بالطبع، اجتماعی شدن توسط گروه ها و عوامل اجتماعی شدن صورت می گیرد. در همه فرهنگ ها، خانواده عامل اصلی سلامت اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. در بیشتر جوامع سنتی، خانواده ای که فرد در آن متولد می شود تا اندازه زیادی تعیین کننده موقعیت اجتماعی فرد در طول زندگی اوست؛ اما در جوامع امروزی، موقعیت اجتماعی به این ترتیب به ارث برده نمی شود. با این وجود، منطقه و طبقه اجتماعی خانواده ای که فرد در آن متولد می شود بر الگوهای اجتماعی و سلامت افراد به شدت تأثیر می گذارد (گیدنز، ترجمه صبور، ۱۳۹۰). یافته های حاصل از بررسی نتایج پژوهش نشان داد که معنادهی به ارتقاء سلامت زندگی اجتماعی دانش آموزان و نیازهای آموزشی والدین در زمینه مسائل تربیتی فرزندان شامل تربیت دینی و اخلاقی آنها، آشنایی با مراحل رشد جسمی، روحی، روانی و بررسی نیازهای آموزشی دانش آموزان در زمینه های ذهنی، عاطفی و اجتماعی و همچنین، تربیت عاطفی و اجتماعی فرزندان، بهداشت فردی کودکان، شناخت ناتوانایی های یادگیری، شناخت ناهنجاری های رفتاری فرزندان و اصلاح آنها می تواند بسیار مفید و تأثیرگذار در زندگی و بالا بردن سلامت روابط اجتماعی دانش آموزان باشد. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش های فدایی مهربانی (۱۳۸۹)، رفاهی (۱۳۸۷)، پلیز و همکاران (۲۰۰۹)، اما و همکاران (۲۰۱۳)، همخوانی دارد.

همچنین، کوشش های فراوانی برای تقویت روابط خانه و مدرسه در معنادهی به رشد سلامت زندگی اجتماعی دانش آموزان صورت گرفته است که این کوشش ها توسط والدین، معلمان، مدیران مدارس و مربیان هم تأیید می شود. هر چند نقش مستقل و متفاوت هر یک از خانه و مدرسه در تعلیم و تربیت دانش آموزان روشن است، با این همه، معلمان می توانند در ملاقات با اولیای دانش آموزان، خواه به صورت فردی یا گروهی، در مورد پیش آمدهای خاص زندگی و حفظ سلامت یا پیشرفت دانش آموزان مذاکره نمایند. با این حال، به رغم اهمیت چنین روابطی، ممکن است این گونه گفتمان ها از کارآوری همیشگی برخوردار نباشد. به ویژه این که ممکن است این روابط در کمک به اولیایی که بیش تر نیاز به حمایت و درگیر شدن در مسائل تعلیم و تربیت دارند، کافی نباشد. بدین ترتیب، اولیاء می توانند در اداره و تصمیم گیری مدارس دخالت نمایند یا از طریق مشارکت در فعالیت های مدرسه ای و گردآوری امکانات به فهرست کمک کنندگان مدارس در امر معنادهی به تقویت سلامت زندگی اجتماعی دانش آموزان وارد شوند. بدین لحاظ، شرط اصلی سلامت و رشد اجتماعی و کسب صلاحیت برای زندگی اجتماعی با دیگران، وجود یک محیط تربیتی سالم است که فرد

بتواند برای ارتباط با دیگران سازگار باشد (ملکی، ۱۳۸۹). لذا، پژوهش‌های مذکور به این نتیجه دست یافتند که می‌توان با آموزش‌های مهارت‌های واقعی زندگی و کاهش اثرات خطرزای هیجان‌خواهی بر ارتقای سلامت اجتماعی زندگی دانش‌آموزان افزود. این یافته تحقیق با نتایج پژوهش‌های سجادی و همکاران (۱۳۸۳)، نجات و همکاران (۱۳۸۶)، ملک‌شاهی و همکاران (۱۳۸۷)، سهرابی سمرو و همکاران (۱۳۸۸)، ترنر و همکاران (۲۰۰۹)، مشابهت دارد.

رویکرد اساسی‌تر مدارس برای همکاری با والدین مستلزم داشتن روش‌هایی است که نقش تربیت درست را به آنان منتقل سازد. این رویکرد به منظور تقویت نقش و مسئولیت خانواده و نیز بهبود درک، مراقبت و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، روش‌های مطلوب و متنوعی را ارائه می‌دهد. ایفای نقش آموزش والدین برای آگاهی بیشتر فرزندان ممکن است در مدرسه یا خانه اجراء شود. برای مثال، زمانی که معلم با گروهی از دانش‌آموزان مشغول تدریس است، والدین می‌توانند با دیگر دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروه کوچکی از آنان در جهت تقویت مهارت‌هایی که قبلاً از معلم فراگرفته‌اند، کار نمایند. چنین فعالیتی نه تنها به معلم کمک می‌کند، بلکه به والدین نیز فرصت می‌دهد تا فعالیت‌های کلاسی را فرا گرفته، بعد از آن بتوانند آن‌ها را در خانه برای تقویت کودکانشان به کار گیرند یا به دیگر والدین منتقل سازند. در کُل، هرچه نیازهای روانی فرزندان بیشتر تأمین شود، جامعه‌پذیری و رشد اخلاقی و اجتماعی آنها هم زودتر و مطلوب‌تر شکوفا می‌شود. به خصوص، رابطه‌خانه و مدرسه تعاملی دو طرفه است. زیرا شکل‌گیری شخصیت و چگونگی رشد روانی کودکان بیش از همه در گروه رشد سلامت اجتماعی و عملکرد سالم خانه و مدرسه است (شهریارپور، ۱۳۹۴). بنابراین، یافته‌های حاصل از این مطالعه با نتایج پژوهش‌های مرنیدی (۱۳۸۸)، توکل و همکاران (۱۳۹۰)، لارسن (۲۰۱۲)، و روسل (۲۰۱۶)، مطابقت دارد.

در واقع تلاش‌های زیادی انجام گرفته است تا والدین را در خانه‌هایشان به فعالیت‌های یادگیری در جهت رشد و توسعه سلامت اجتماعی با فرزندان‌شان وادار نمایند. این تلاش‌ها معمولاً متوجه دانش‌آموزانی است که آسیب‌پذیری بیش‌تری دارند. لذا، والدین را باید کمک کرد و تشویق نمود تا با کودکان‌شان مبنی بر جهت‌دهی به رشد سلامت زندگی اجتماعی فرزندان‌شان دلگرم و آگاهی‌داد. حال با توجه به نقش روابط بهینه‌خانه و مدرسه در بهبود سلامت و یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه، نباید این واقعیت را نادیده گرفت که خانه و مدرسه واحدهای اجتماعی هستند که نیازمند همکاری متقابل بوده و توجه به خانواده نباید به قیمت فراموشی نقش نهادها و سایر افراد جامعه منجر شود که می‌تواند به پیشرفت رشد تحصیلی دانش‌آموزان و معناداری به توسعه سلامت زندگی اجتماعی آنان کمک کند. در نتیجه، می‌توان گفت: این مطالعه به دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر آبدانان محدود شده است. حال آن‌که، تعمیم نتایج این تحقیق به دانش‌آموزان پسر مقاطع تحصیلی دیگر و سایر نقاط کشور باید توأم با احتیاط باشد. پیشنهاد می‌شود، برنامه‌های مربوط به نقش والدین، به ویژه اگر به شبکه‌ای از حمایت و افزایش سلامت اجتماعی پیوند بخورد، تأثیرات مثبت و شگرفی بر توانایی کلامی، زبانی، دانش و مهارت در روابط و سلامت زندگی فرد داشته و در محیط مدرسه و موفقیت در موضوعات درسی دانش‌آموزان اثر خواهد داشت. همچنین این برنامه‌ها، در تغییر نگرش‌ها، خودباوری‌ها و رفتار والدین و نیز در تأثیرگذاری بر دیگر اعضای خانواده و در نهایت تأثیر بر جامعه‌ای که خانواده و دانش‌آموزان در آن زندگی می‌کنند، بسیار مؤثر است.

## منابع

- امینی رارانی، مصطفی؛ موسوی، میرطاهر؛ و رفیعی، حسن. (۱۳۹۰). رابطه سرمایه اجتماعی با سلامت اجتماعی در ایران. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲۰۳-۲۲۸: (۴۲)
- بازرگان، زهراء. (۱۳۹۵). زبان و رفتار مثبت در خانه و مدرسه و تأثیر آن در رشد خودباوری کودکان و نوجوانان. مجله پیوند، شماره ۴۴۵، ۸-۱۱.
- بخشایی، نورمحمد. (۱۳۸۸). نقش خانواده در تربیت فرزندان. نشریه تربیت و خانواده. ۱۰(۳۹).
- تاجیک اسماعیلی، عزیزالله. (۱۳۸۳). نگاهی به نقش‌های تربیتی خانه و مدرسه. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- توکل، محمد؛ ناصری‌راد، محسن. (۱۳۹۰). مشخصه‌ها و مؤلفه‌های سلامت اجتماعی. گزارش پژوهشی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. دسترنج، مجید. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ویژگی‌های خانواده با جامعه‌پذیری فرزندان. مجله زن و مطالعات خانواده، ۶(۲۲): ۷۹-۹۸.

- ذوالفقاری زعفرانی، رشید؛ علی نیا، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر نهاد خانواده و مدرسه بر جامعه پذیری دانش آموزان مقطع متوسطه منطقه رودهن. فصلنامه پژوهش اجتماعی، ۳(۸).
- رفاهی، ژاله. (۱۳۸۷). آموزش مهارت های زندگی راهکار پیشگیری از آسیب های اجتماعی نوجوانان. مجله رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، (۲)۱.
- سجادی، حمیرا؛ صدرالسادات، سیدجلال الدین. (۱۳۸۳). شاخص های سلامت اجتماعی. ماهنامه اطلاعات سیاسی، اقتصادی، (۳)۱۹.
- سرعتی، حسین. (۱۳۹۲). بررسی میزان تعارض ارزشی بین خانه و مدرسه در دانش آموزان شهر رشت و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال.
- سهرابی سمرو، فرامرز؛ هادیان، مینا؛ دائمی، حمیدرضا و اصغر نژادفرید، علی اصغر. (۱۳۸۸). اثربخشی برنامه آموزشی رفتارهای سالم در نگرش دانشجویان نسبت به سوء مصرف مواد. مجله علوم رفتاری، ۲(۳).
- سیدی، زینب. (۱۳۹۲). تأثیر مدرسه بر فرآیند جامعه پذیری دانش آموزان شهر گرگان در مقایسه با سایر عوامل اجتماعی شدن. نشریه جامعه و مدرسه، (۱)۱: ۸-۱۲.
- شهریارپور، مریم. (۱۳۹۴). ارتباط خانه و مدرسه و چگونگی همکاری اولیاء با معلمان. سومین همایش ملی مدرسه فردا، چالوس، دانشکده فنی و حرفه ای سما، واحد چالوس.
- فدایی مهربانی، مهدی. (۱۳۸۹). شهرنشینی، رسانه و سلامت اجتماعی، رسانه های در حال گذار و سلامت اجتماعی شهروندان. فصلنامه پژوهش و سنجش، (۱)۴۹.
- فلیک، اووه. (۲۰۰۹). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه هادی جلیلی (۱۳۸۸). تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- گیدنز، آنتونی. (۲۰۱۱). جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۹۰). تهران: نشر نی، چاپ بیست و ششم.
- ماسن، پاول هنری. (۱۳۸۱). رشد و شخصیت کودک. مترجم: مهشید یاسایی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- مردی، علیرضا. (۱۳۸۸). عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت. مشهد: انتشارات کتاب پردازان.
- ملکشاهی، فریده و مؤمن نسب، مرضیه. (۱۳۸۷). تأثیر برنامه آموزش پیشگیری از رفتارهای پر خطر بر آگاهی و نگرش مربیان بهداشت مدارس ابتدایی خرم آباد. (۲)۹.
- ملکی، حسن. (۱۳۸۹). ارتباط خانه و مدرسه. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- ناصرین، الهام. (۱۳۹۴). نقش خانواده و مدرسه در تربیت دانش آموزان. دومین کنفرانس ملی روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان.
- نجات، سحرناز و احمدوند، علیرضا. (۱۳۸۶). ترسیم جایگاه سلامت اجتماعی در نظام سلامت کشور. مؤسسه ملی تحقیقات سلامت.
- Coleman Games S. (2010). Families and Schools Educational Researcher. (16): 32-38.
- Emma L, Harbeck A, Ian Glendon B. (2013). How reinforcement sensitivity and perceived risk influence young drivers' reported engagement in risky driving behaviors, Accident Analysis & Prevention.
- Larsen J. (2012). The World Health Organization's Definition of Health: Social versus Spiritual Health. Social Indicators Research. 38 (2): 181-192.
- Phyllis L, Ellickson A, Daniel F, McCaffrey David J. (2009). Long-Term Effects of Drug Prevention on Risky Sexual Behavior among Young Adults, Health. 3 (2): 12- 22.
- Russell RD. (2016). Social Health: An Attempt to Clarify This Dimension of Well-Being. International Journal of Health Education. 1(16): 74-82.
- Smedey T. (2001). Socilazation of home school children: a communication approach.
- Turner N E, Macdonald J, Somerset M. (2009). Like skills mathematical reasoning and critical thinking: A curriculum for the prevention of problem game bling. Journal of gambling behavior. 24(3): 367-80.

## The role of Family and School and the Meaning Relationship these two on the Social Health Promoting in Students Life (A Case Study of Abdanan public Girls High Schools)

Fariborz Aslmarz<sup>1\*</sup>

Ali Asghar Gholami<sup>2</sup>

Salman Shadivand<sup>3</sup>

### Abstract

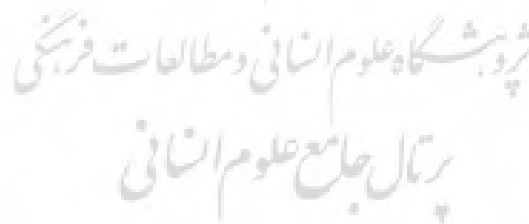
**Purpose:** The purpose of this study was to investigate the effect of the two basic institutions of the family and the school and the meaning of their relationship in the socialization health upgrade of the students life.

**Method:** The research design this study qualitative and to The method of content analysis is that in two levels of description and explanation in girls high schools Rezvan, Zeynab and Parvin Abdanan city of Ilam Province to quantity 334 girl student in 2018-19 educational year Was performed that from this them 30 People were selected as the sample. Semi-structured interview and observation were used to collect is data.

**Results:** According to the findings of some researchers, between of social values family and school and social health upgrade and meaning of the relationships between the two in the life of a student, is a conflict and it follows that the values conflict and lack of conformance student with family and school not the benefit of another, Rather, it causes students to become discouraged and discouraged, both at home and at school. Hence, the interaction between home and school can be considered seriously and practically from a sociological perspective as one of the most important and effective ways of reducing the conflict between home and school in the direction of student health upgrade.

**Conclusion:** The result of this interaction is the positive impacts and many educational and educational benefits that play an important role in the meaning of the student health upgrade of social life and his or her future.

**Keywords:** Family, School, Meaning, Social Health, Students.



---

1. Ph. D, of psychological, School of psychology and educational science, Allameh Tabatabai University of Tehran, Iran (**Corresponding Author**) fariborzaslmarz@yahoo.com

2. Expert Primary Education department, Education and Breeding, Abdanan, Ilam, Iran.

3. MSc, English Language Translator department, Education and Breeding, Darehshar, Ilam, Iran.